

شناسایی موانع دستیابی به شهر پاک با تکیه بر جمع‌آوری زباله با استفاده از تئوری بنیانی (مطالعه موردی: شهر رشت)

مهدی حسام* - استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان
اسماعیل آقائی‌زاده - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گیلان
منصور رضاعلی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۱۱

چکیده

تولید زباله در شهرها یکی از مهم‌ترین چالش‌های مطرح در برنامه‌ریزی شهری است که برای دستیابی به شهر سالم و به تبع آن شهر پاک مطرح می‌شود. پدیده زباله از ابتدا با موضوعات مهمی از جمله چگونگی جمع‌آوری، بازیافت، نحوه دفع، مکان‌یابی دفع و... همراه است که هریک از آن‌ها نیازمند بررسی، و به نوعی مکمل یکدیگر هستند. جمع‌آوری زباله از سطح شهرها، موضوعی مرتبط با پاکیزگی شهری و نخستین حلقه مطرح شده است. این مقوله تأثیری مستقیم در سیمای شهر دارد؛ از این‌رو سهل‌انگاری در آن، شهرها را با مشکلات بسیاری مواجه می‌کند. همچنین علاوه بر مسائل مربوط به فناوری، با مقوله‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی و... درگیر است؛ بنابراین، شناسایی و رتبه‌بندی این مقوله‌ها می‌تواند در نحوه برخورد با مسئله مورد نظر مفید باشد. در پژوهش حاضر، تنگناهای موجود در زمینه جمع‌آوری زباله در شهر رشت با به‌کارگیری روش کیفی و استفاده از تئوری بنیانی مطالعه شده است. براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نظر، ۴۸ نفر از شهروندان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها و اطلاعات لازم با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهدات میدانی صورت گرفت. مصاحبه‌ها نیز تا حصول مرحله اشباع تئوریک ادامه یافت. بر مبنای نظریه بنیانی، داده‌ها در سه مرحله کدگذاری تحلیل شدند. نتایج حاصل از آن‌ها، استخراج پنج مقوله هسته‌ای شامل عوامل تأثیرگذار اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیرساختی، مدیریتی و قوانین است.

واژه‌های کلیدی: تئوری بنیانی، جمع‌آوری زباله، شهر پاک، شهر رشت، شهر سالم.

مقدمه

شهر و شهرنشینی روند اجتماعی برجسته‌ای است که روابط متقابل انسان با محیط و انسان‌های دیگر را دگرگون کرده است (نظریان، ۱۳۷۹). هرچند گسترش شهرها از دوران یکجانشینی و آغاز تولید مازاد کشاورزی و به تبع آن افزایش جمعیت آغاز شد، پس از انقلاب صنعتی، دانش بشری به‌طور جدی بر محیط طبیعی غلبه کرد (لارسن و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۴) تا آنجا که براساس گزارش سازمان ملل برای اولین بار در تاریخ، بیش از نیمی از جمعیت جهان (حدود سه و نیم میلیارد نفر) در شهرها زندگی می‌کنند. این رخداد در سال ۲۰۳۰ به ۶۵ درصد و در سال ۲۰۵۰ به حدود ۷۰ درصد خواهد رسید (سازمان ملل-امور اقتصادی و اجتماعی، ۲۰۰۷). این مقیاس بزرگ شهرنشینی و شهرگرایی، به انرژی، مواد و منابع متعدد از جمله زمین کافی برای گسترش معیشت در کاربری‌های خاص برای حرکت در مسیر رفاه نیازمند است (گیراردت، ۲۰۰۳: ۱۰۹). شهر پدیده پیچیده کاملاً مستقل و خودگردان نیست، بلکه بخشی از ساخت اجتماعی، اقتصادی و نمودی از اوضاع به‌هم‌پیچیده است که از گذشته تاکنون به نسبت تغییرات و تحولات اجتماعی-سیاسی شکل گرفته است (نظریان، ۱۳۸۸: ۲۲)؛ بنابراین، بحث در مورد شهر تنها به گسترش آن محدود نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای پیچیده و درگیر با مسائل مختلفی است که هریک با دیگری ارتباط دارد و همدیگر را تقویت می‌کنند (آقائی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۴). در واقع، شهرنشینی به ترویج و ارتقای توسعه سریع اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. از سوی دیگر، مشکلات فراوانی مانند تمرکز جمعیت، گره‌های ترافیکی، کمبود مسکن، کمبود منابع، کاهش تنوع زیستی، آثار جزایر حرارتی، سروصدا و آلودگی آب‌وهوا (فنگ و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۳۴) را به‌وجود می‌آورد. این پدیده اهمیت برنامه‌ریزی را به‌عنوان مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، سازمان، تشکیلات و روش‌ها برای تهیه، تدوین و چگونگی اجرا، نظارت و ارزیابی برنامه‌های توسعه (آسایش، ۱۳۸۰: ۲۲۶) در ابعاد مختلف، بیشتر نمایان می‌کند. یکی از ابعاد مهمی که به برنامه‌ریزی دقیق در شهرها نیاز دارد، توجه به تولید روزافزون انواع آلاینده‌ها در شهرها در راستای دستیابی به شهر سالم و شهر پاک است. پاکیزگی شهری یکی از شاخصه‌های مهم دستیابی به شهر سالم و موضوع مهمی است که به‌تازگی جایگاه ویژه‌ای در ادبیات مطالعات شهری یافته است. در این میان، سازمان‌های بین‌المللی در مواردی، تعدادی از شهرهای پاک دنیا را معرفی می‌کنند. می‌توان گفت موضوع پاکیزگی شهری در همه شهرها مطرح شده است و مسئولان هیچ شهری نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند؛ از این رو داشتن شهری پاکیزه در درجه اول یکی از مهم‌ترین خواسته‌های شهروندان و در درجه دوم خواسته کسانی است که به‌نحوی به شهرها مراجعه می‌کنند.

از جمله مهم‌ترین راهبردهای دستیابی به شهر پاک این است که گروه‌های مختلف ساکن یا فعال در فضای شهری، به ساماندهی بهتر وضعیت زباله در شهر بپردازند؛ از این رو در همه مراحل جمع‌آوری تا دفع زباله مسائل و مشکلات متعددی وجود دارد. در این میان، جمع‌آوری زباله موضوع مهمی است که انجام‌دادن درست آن، به هماهنگی تمامی گروه‌های شهری وابسته است. شاید مسئله دفن زباله، مکان‌یابی آن و... موضوعی تخصصی، و مربوط به یک یا چند ارگان باشد، اما جمع‌آوری درست زباله برعهده همه شهروندان حقیقی و حقوقی تولیدکننده زباله است؛ از این رو، دستیابی به این هدف همکاری همه گروه‌ها را می‌طلبد. از آنجا که شهروندان حجم بسیار زیادی از زباله‌ها را تولید می‌کنند، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراد در کنار مسائل مدیریتی آن نقش پررنگی می‌یابد.

با توجه به آنچه بیان شد، تولید روزافزون زباله در شهرها نشان می‌دهد دستیابی به شهری پاک بدون برنامه‌ریزی برای جمع‌آوری درست و دور کردن زباله از شهرها امکان‌پذیر نیست. البته دور کردن زباله از شهرها مباحث فنی ویژه‌ای دارد و در واقع، نبود زباله در محدوده فیزیکی شهرها به مفهوم شهر پاک نزدیک‌تر است. براین اساس، در این مقاله موضوع جمع‌آوری زباله در سطح شهر بررسی شده است. آنچه اهمیت دارد مشکلات جمع‌آوری زباله است که در شهرها به‌طور اعم و در شهرهای کشورهای در حال توسعه به‌طور اخص وجود دارد. این مشکلات همه گروه‌های شهری را درگیر

می‌کند و دلایل زیادی دارد؛ از این‌رو در مقاله حاضر، فرایندهای مشکل‌زا در جمع‌آوری درست زباله در شهر رشت (شهری گردشگرپذیر در کشور) با استفاده از تئوری بنیانی بررسی می‌شود.

پیش‌پژوهش

کدام دسته از عوامل به‌عنوان موانع اساسی‌تر در جمع‌آوری زباله در شهر رشت به شمار می‌روند.

مواد و روش

معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه شهر رشت از توابع استان گیلان در شمال ایران است که در ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. براساس سرشماری رسمی سال ۱۳۹۰، جمعیت این شهر ۹۵۱۶۳۹ نفر است و ۲۰۴۰۰۵۴ خانوار در آن ساکن هستند. محدوده استحفاظی براساس طرح جامع این شهر در سال ۱۳۸۶، ۱۶۰۱۸۸ هکتار است (مهندسان مشاور طرح کاوش، ۱۳۸۶: ۹) (شکل ۱).



شکل ۱. نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه در تقسیمات سیاسی کشور و استان

منبع: سازمان نقشه‌برداری، ۱۳۹۳

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش تئوری بنیانی^۱ برای شناسایی موانع دستیابی به شهر پاک در رشت استفاده شده است. این تئوری روشی کیفی است که برای بررسی فرایندهای اجتماعی تعاملات انسانی به کار می‌رود. ریشه این روش که گلاسر و استراوس آن را توسعه دادند، در مکتب تفسیری تعامل‌گرایی سمبولیک قرار دارد. این روش، نوعی پژوهش است که پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آن‌ها بررسی می‌کند (ادیب حاج‌باقری، ۱۳۸۶). از جمله ویژگی‌هایی که نظریه

بنیانی را از سایر روش‌ها متمایز می‌کند عبارت‌اند از: چارچوب مفهومی ناشی از اطلاعات فعلی، کشف فرایندهای اصلی عرصه اجتماعی به‌جای توصیف واحد تحت مشاهده، مقایسه هر داده با کل داده‌ها، امکان تغییر روش جمع‌آوری داده‌ها در میدان پژوهش و امکان شروع به نوشتن افکار اولیه خود درباره گزارش از همان آغاز شروع جمع‌آوری داده‌ها (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴). این روش شامل پنج مرحله است:

۱. طرح پژوهش (بررسی ادبیات فنی و انتخاب موارد)؛
۲. گردآوری داده‌ها؛
۳. تنظیم داده‌ها و نگارش گویه‌ها و مفاهیم؛
۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها (بخش اصلی پژوهش)؛
۵. طراحی و اعتبار مدل.

منظور از طرح پژوهش، پرسش و محدوده پژوهش است (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱) که از این میان، پرسش، پدیده مورد بررسی و روش پژوهش را مشخص می‌کند. تمرکز این پرسش بر چستی این پدیده است. لازمه طبیعت تئوری بنیانی این است که پژوهشگر با پیشرفت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرسش پژوهش را اصلاح کند (ادیب حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۵). انتخاب موارد، همان محدوده پژوهش و جامعه مورد مطالعه است. شهر رشت در استان گیلان محدوده پژوهش حاضر است و جامعه مورد مطالعه شهروندان این شهر هستند. پرسش اصلی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته این است که موانع دستیابی به شهر پاک در رشت چیست؟

در بخش بعد به شیوه‌های گردآوری داده‌ها و نمونه‌های آماری توجه شد. پیش از هر چیز باید دقت کرد در پژوهش‌های کیفی، هیچ‌یک از روش‌های گردآوری داده‌ها از روش‌های دیگر بهتر نیست؛ یعنی هر روشی می‌تواند برای گردآوری نوعی از اطلاعات مناسب‌تر باشد. برای تصمیم‌گیری درباره انتخاب روش، نقطه شروع منطقی، تعریف نوع اطلاعات مورد نیاز است (فرشادگهر و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۹). در این مطالعه با توجه به مسئله پژوهش و به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، از فنون مصاحبه عمیق و گروه‌های متمرکز استفاده شد. در این مرحله با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۴۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با شهروندان شهر رشت (در همه مناطق شهر) با دست‌کم ۳۷ ساعت و ۳۰ دقیقه، اشباع تئوریک حاصل شد؛ به‌گونه‌ای که داده‌ها تکراری شد و مورد تازه‌ای از سوی کسب‌وکارها حاصل نشد.

هدف مصاحبه عمیق (مصاحبه نیمه‌ساختارمند) این است که گفت‌وگوها به‌صورت باز انجام شود و مصاحبه‌شوندگان بتوانند عقاید و افکارشان را با کلمات مخصوص خود بیان کنند. در این مصاحبه‌ها اجازه تغییرات و آزادی بیشتر میان مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده صورت می‌گیرد. در این میان، پژوهشگر لازم است پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را به‌دقت بشنود و با آن‌ها همراهی کند؛ بنابراین، مصاحبه‌های عمیق، برای آشکارسازی موضوع، گفت‌وگو درباره جزئیات و ساختن تئوری مفید هستند (استرابرگ، ۱۳۸۴: ۸۰).

در این پژوهش، مصاحبه‌ها تا حصول اشباع تئوریک پیش رفت؛ به‌گونه‌ای که داده‌ها تکراری شد و شهروندان مورد تازه‌ای مطرح نکردند. هم‌زمان با مصاحبه، علاوه بر یادداشت‌برداری، با کسب اجازه از شهروندان مصاحبه ضبط، و داده‌های صوتی جمع‌آوری شد. سپس با مرور چندین باره مصاحبه‌های ضبط‌شده، مشکلات به‌طور کامل روی کاغذ نوشته، و نسخه‌برداری شد. مشخصات عمومی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. مشخصات عمومی مصاحبه‌شوندگان

متوسط سن	میزان تحصیلات				جنس		تعداد
	حوزوی	کارشناسی و بالاتر	دیپلم و فوق‌دیپلم	پایین‌تر از دیپلم	مرد	زن	
۳۴	۵	۱۷	۱۲	۱۴	۳۳	۱۵	۴۸ نفر

در مرحله بعد داده‌ها تنظیم شد؛ بدین صورت که پژوهشگر به پیاده‌کردن نوارهای صوتی و تصویری، و تنظیم یادداشت‌های حاصل از عملیات میدانی اقدام کرد. همچنین هنگام شنیدن صدا و نگاه کردن به تصاویر، به مواردی از قبیل تن صدا و حالات پاسخ‌دهنده با توجه به مکان و موقعیت، دقیق شد و بار دیگر تفاسیر و برداشت‌های خود را یادداشت کرد. حاصل این مرحله ثبت نکات کلیدی و برجسته بود.

در مرحله بعد، داده‌ها تجزیه و تحلیل شد. اصلی‌ترین فرایند در تئوری بنیانی تحلیل داده‌هاست که مرکز ثقل پژوهش‌های کیفی به‌شمار می‌آید. در این پژوهش، سه شکل کدگذاری که اشکال تجزیه و تحلیل هستند وجود دارد: کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی. البته ضرورتی ندارد که پژوهشگر حتماً این سه مرحله را پشت سر هم بگذارد (پاپ زن، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

در کدگذاری باز، داده‌های مربوط به پدیده مورد مطالعه با بررسی دقیق، نام‌گذاری و مقوله‌بندی می‌شوند که محصول نام‌گذاری، «مفاهیم» است (طالب و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲؛ قبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۲). در کدگذاری محوری، داده‌های تبدیل‌شده به مفاهیم و مقوله در کدگذاری باز، با شیوه جدیدی به یکدیگر می‌پیوندند تا پیوند مقوله و مقولات فرعی برقرار شود. در فرایند کدگذاری محوری مدل پارادایمی کاربرد دارد که متضمن شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای عمل / تعامل و پیامدهاست. در این مرحله، قضایا (سومین مؤلفه نظریه بنیانی) شکل می‌گیرند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۶۵). در این کدگذاری، طبقات تشکیل‌شده توسعه می‌یابند و هر طبقه شامل زیرطبقه‌هایی خواهد شد که ارتباط هر یک از آن‌ها مشخص می‌شود. لازمه مرحله کدگذاری محوری مقایسه دائمی داده‌هاست. پژوهشگر داده‌های کدگذاری‌شده را با یکدیگر مقایسه می‌کند و آن‌ها را به صورت خوشه‌های متناسب با هم درمی‌آورد. همچنین کدهای مشابه را در یک طبقه قرار می‌دهد (ادیب حاج‌باقری، ۱۳۸۶: ۱۲۹). در این مرحله، پژوهشگر با کمک کدها و دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز ایجاد کرده بود، همچنین ادغام موارد مشابه، ارتباط میان خرده‌طبقه‌ها را مشخص کرد و طبقاتی با مفاهیم جدید تشکیل داد.

مرحله بعد، کدگذاری انتخابی است که طی آن «مقوله هسته‌ای» یا اصلی انتخاب می‌شود. سپس ارتباط این مقوله با دیگر مقوله‌ها و افزایش اعتبار این روابط با جست‌وجوی تصدیق یا عدم تصدیق صورت می‌گیرد (طالب و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در این مرحله جمله‌های کدگذاری‌شده، دوباره با هم ترکیب شدند تا مقوله‌ای که بتواند سایر طبقات یا مفاهیم را با یکدیگر مرتبط کند شناسایی شود و چارچوب مفهومی پژوهش به تدریج شکل بگیرد. بررسی مفاهیم و مقایسه آن‌ها با یکدیگر نشان داد دو مقوله «مشکلات» و «محدودیت‌ها» مفاهیم پژوهش را به یکدیگر مرتبط می‌کنند. فعالیت عمده و اصلی این مرحله از تحلیل، ایجاد خط سیر داستانی است که همه طبقات را شامل می‌شود. آنچه در این مرحله رخ می‌دهد، تحلیل کل‌نگرانه فرایندهای پژوهش است. در این میان، پژوهشگر براساس تمامی داده‌هایی که در اختیار دارد و برداشتی که در مسیر پربخشم پژوهش اندوخته است، خط سیر داستان^۳ را دنبال می‌کند. هر داستان، توصیف خاصی درباره پدیده اصلی مورد مطالعه است و خط سیر داستانی، مفهوم‌سازی این داستان به‌شمار می‌آید.

مرحله نهایی، طراحی و اعتبار مدل است. ساخت مدل یا نظریه از نخستین تحلیل‌ها آغاز می‌شود و تا آخرین آن‌ها ادامه می‌یابد. نخستین گام در مرحله طراحی مدل، طبقه‌بندی مرکزی است که درون مایه پژوهش را نشان می‌دهد. با اینکه این طبقه در میان داده‌ها قرار ندارد، ارتباط‌دهنده آن‌هاست (قبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۰؛ طالب و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

1. Axial Coding
2. Selective Coding
3. Story Line

مبانی نظری پژوهش

پس از تشکیل کمیسیون جهانی به ریاست خانم برانت لند از نروژ، در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶ ش) واژه‌ای به نام توسعه پایدار در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح شد (زیاری، ۱۳۸۰: ۳۷۳) تا به بررسی جامع مسائل زیست‌محیطی و توسعه جهانی بپردازد (زیاری، ۱۳۷۸: ۲۲۸). این واژه به معنای رفع نیازهای کنونی بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی در برآوردن نیازهایشان است (صرافی، ۱۳۷۵: ۳۹). پس از این، توسعه پایدار شهری که حاصل بحث‌های طرفداران محیط‌زیست درباره مسائل زیست‌محیطی، به‌ویژه محیط‌زیست شهری است، در ادبیات علمی مرتبط با برنامه‌ریزی شهری ظهور کرد و به دنبال آن نظریه توسعه پایدار شهری برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. در این مفهوم نیاز است تا محدودیت‌های محیطی برای فعالیت‌های انسانی در ارتباط با شهرها شناسایی شود و تطبیق روش‌های طراحی در این محدودیت‌ها صورت بگیرد (زیاری، ۱۳۸۰: ۳۷۳-۳۷۵). همچنین لذت شهرنشینان، مهم‌ترین هدف ایجاد شهر در نظر گرفته شود (زیاری، ۱۳۸۷: ۲۳۱). بازتاب این کمیسیون، برگزاری کنفرانس زمین (همان: ۲۲۸) به عنوان نخستین کنفرانس جهانی در زمینه توسعه پایدار در سطح بین‌المللی بود که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شد. پیشنهاد این کنفرانس این بود که همه کشورهای جهان، به‌منظور کاهش آثار منفی بر محیط، به تنظیم برخی سیاست‌ها بپردازند و افراد و جامعه را برای ارتقای فرهنگ اجتماعی تشویق کنند (سیایونی، ۲۰۰۹: ۳۶۴).

توسعه پایدار شهری تنها در زمینه محیط‌زیست شهری مطرح نشد، بلکه نظریات متعدد دیگری مانند شهر اکولوژیکی، شهر سبز، توسعه درونی، شهرگرایی نو و... ارائه شد. برآیند اهداف همه این نظریات، توسعه برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار زمین به‌منظور پیشرفت اسکان بشر در ارتباط با ایجاد زیست‌محیطی سالم است (زیاری و جانبانزاد، ۱۳۸۸: ۲۳). در سال ۱۹۸۴، کنفرانسی با عنوان «فراتر از مراقبت‌های بهداشتی» در تورنتو کانادا برگزار شد که برای نخستین‌بار ایده شهرهای سالم را مطرح کرد (اشتون، ۱۹۹۲: ۵). براین اساس، در سال ۱۹۸۵-۱۹۸۶ دفتر اروپایی سازمان جهانی بهداشت^۱ پیشنهاد کرد تا برنامه‌ای با عنوان «پروژه شهر سالم» برای ارتقای سطح سلامت اجرا شود (فرهادی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). به نقل از احمد، ۱۹۹۸: ۴۵. این سازمان، دولت‌ها را به کمک فرایندی از تعهد سیاسی، تغییر سازمانی، ظرفیت‌سازی، برنامه‌ریزی مبتنی بر مشارکت و پروژه‌های نوآورانه، درگیر شبکه شهرهای سالم کرد (تسورس و ادوارد، ۲۰۰۸: ۳). از آن دوره تاکنون، به این مفهوم بسیار توجه شد تا آنجا که امروزه اندیشمندان یکی از راه‌های رسیدن به توسعه پایدار شهری را داشتن شهر سالم (فرهادی، ۱۳۸۹: ۱۳۸) با عنوان «شهری آگاه به موضوع سلامت و در تلاش برای ارتقای آن» (تسورس و ادوارد، ۲۰۰۸: ۳) می‌دانند.

از این دیدگاه، شهر سالم شهری پاک و مبرا از بسیاری آلودگی‌هاست که خدمات بهداشتی و زیست‌محیطی کافی و خوبی در دسترس دارد و از امنیت فیزیکی برخوردار است و... (پاپلی‌یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۳۴۴-۳۴۵)؛ بنابراین، دستیابی به فضای پاک شهری یا به عبارتی شهر پاک، بخشی از اهداف شهر سالم است؛ یعنی یکی از الزامات تحقق شهر سالم، تحقق شهر پاک است. به بیان دیگر شهر سالم عبارت است از شهر پاک که تحقق آن از جمله مهم‌ترین پیش‌شرط‌های شهر سالم محسوب می‌شود. از این‌رو دستیابی به فضای پاک شهری از جمله دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان شهری است. شهر یکی از شاخصه‌ای فضا در جغرافیا به‌شمار می‌رود (حافظ‌نیا، احمدی‌پور و قادری حاجت، ۱۳۹۱: ۹۰). از آنجا که یکی از راه‌های رسیدن به توسعه پایدار، توجه به برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و ساماندهی فضا است (زیاری، ۱۳۸۷: ۲۳۱) و جغرافیای شهری نیز در مطالعات خود، تأکید خاصی بر نظام فضایی شهر دارد (شکویی، ۱۳۷۹: ۵)، جغرافیدانان شهری به این مقوله توجه کرده‌اند و سهم بسزایی در توسعه مفهوم شهر سالم دارند. فضای پاک

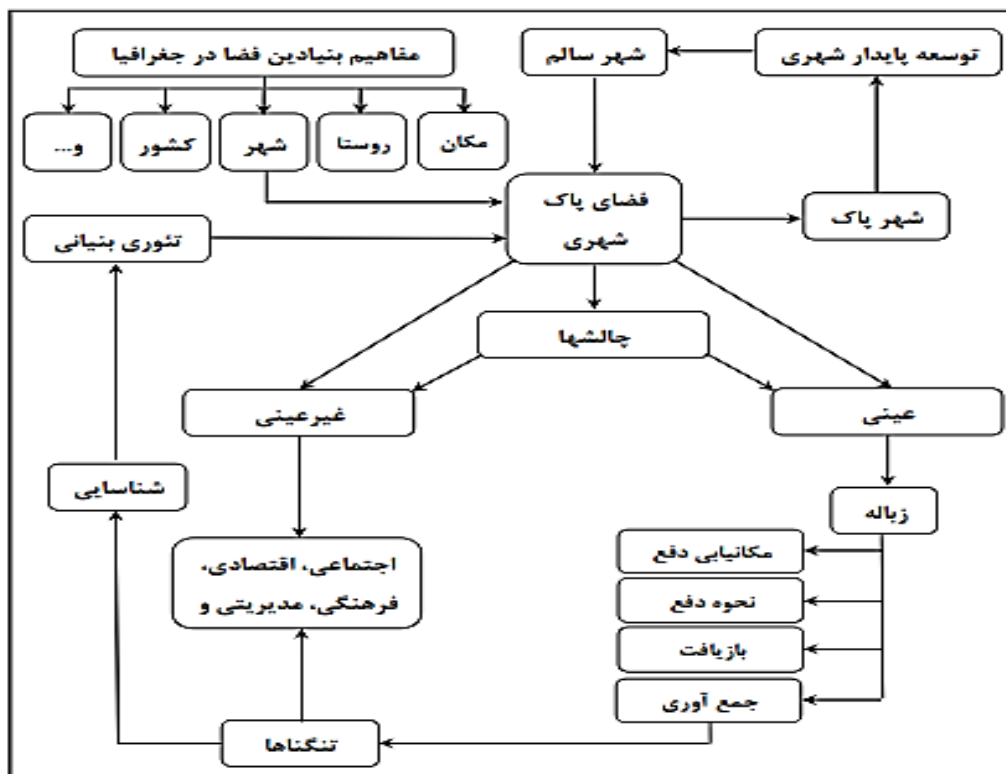
شهر می‌تواند در دو فضای کالبدی و رفتاری به‌ترتیب عینی و غیرعینی بررسی شود. در حالت نخست پاکیزگی ظاهری شهر، و در حالت دوم وجود فرهنگ متناسب با زندگی شهری و نظام شهروندی غنی مدنظر است. در واقع، هرگونه فعالیتی در فضاهای شهری، تابع خصوصیات فرهنگی جامعه‌ای است که صاحبان این فعالیت‌ها بدان تعلق دارند (بحرینی، ۱۳۹۳: ۱). همچنین برآیندی از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی و... است، اما چالش‌های موجود در مسیر دستیابی به فضای پاک شهری در کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد. یکی از بسترهای مهم مداخله‌کننده در تشکیل شهرنشینی، عوامل کالبدی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۰)؛ از این‌رو، پرداختن به مباحث کالبدی در مطالعات شهری بسیار مهم است. بر این اساس، در این مفهوم و در مقاله حاضر منظور از فضای پاک شهری، فضای نوع نخست یعنی کالبد شهر است؛ فضایی که از نظر ظاهری آراسته و دور از آلاینده‌هاست و به‌عنوان یکی از اصول توسعه پایدار (بدری و افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۶) مطرح شده است. دستیابی به چنین فضایی با چالش‌هایی در دو گروه عینی و غیرعینی روبه‌روست که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، مقوله زباله است.

در قرن ۱۹ میلادی، اصول بهداشت و بهسازی محیط در شهر مانند دستورالعملی بهداشتی مطرح شد و شهروندان ملزم شدند آن را رعایت کنند. بر اساس این اصول ضروری است زباله در حداقل زمان ممکن از منازل و محیط‌زیست زندگی انسان دور شود. زباله‌ها نه تنها سبب بیماری، تعفن و زشتی مناظر می‌شوند، بلکه با آلوده کردن خاک و آب‌وهوا خسارات فراوانی به‌بار می‌آورند. در کتاب‌های علمی، تعداد باکتری‌های مختلف در خاکروبه خیابان‌ها از ۲ تا ۴۰ میلیون به‌صورت خاص و از ۵۰ هزار تا ۱۰ میلیون به‌طور عام در هر گرم برآورد شده است که این مقدار قابلیت زیادی برای بروز انواع بیمارهای دارد. از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی، یکی از مشکلات مهم توسعه شهری و صنعتی، مسئله دفع مواد زائد جامد است. بسیاری از کشورها در زمینه مدیریت این مواد با مشکلاتی مواجهند؛ بنابراین، به راه‌حل‌های جامع و کاربردی نیاز دارند.

بر اساس دستور کار ۲۱ کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲، با توجه به تغییر جمعیت از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۵، اگر اقدامات لازم برای مواد زائد صورت نگیرد، حجم تولید این مواد به ۴ تا ۵ برابر میزان کنونی افزایش خواهد یافت (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲). مسئله تولید زباله اهمیت زیادی دارد؛ تا آنجا که باستیه در کتاب شهر، آن را به‌همراه خطرات ناشی از آلودگی و هوا، آب و زیرزمین عاملی بازدارنده برای توسعه شهرنشینی در حجم، سطح و تراکم می‌دانند (باستیه و در، ۱۳۸۲: ۴۵۰).

در مجموع، زباله تولیدی در شهرها، یکی از آلودگی‌های محیط فیزیکی مدنظر در برابر شهر سالم است (صرافی، توکلی‌نیا و محمدیان مصمم، ۱۳۹۳: ۱۱۲ به نقل از تسورس و ادوارد، ۲۰۰۸: ۳) که از ابعاد گوناگون جمع‌آوری، بازیافت، نحوه دفع و مکان‌یابی محل دفع قابل بررسی است.

نخستین مرحله در این فرایند بسیار مهم است؛ زیرا هرگونه بی‌دقتی در آن، تأثیر مستقیم بر فضای کالبدی شهر دارد؛ درحالی‌که سایر مراحل فوق یا به‌طور غیرمستقیم بر شهر تأثیر می‌گذارند یا اینکه اثرات آن بیشتر در حوزه نفوذ شهر مشاهده می‌شود. هرچند که این موارد نیز در بررسی زباله از اهمیت بالایی برخوردار است، اما در این پژوهش سعی شده است تا با تمرکز بر مشکلات حاکم بر جمع‌آوری زباله در شهرها پرداخته و تنگناهای همسو با چالش‌های غیر عینی با استفاده از تئوری بنیانی بررسی شود تا از این راه یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی دستیابی به فضای پاک شهری به‌طور کامل شناسایی شده و دستیابی به شهر پاک با برنامه‌ریزی هموارتر گردد و در نهایت گامی در جهت توسعه پایدار برداشته شود. مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

بحث و یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در سه مرحله کدگذاری علمی و واحدهای تحلیل آن، تجزیه و تحلیل می‌شود.

کدگذاری باز

یافته‌های حاصل از کدگذاری باز، شامل ۱۱۴ کد استخراج شده از متن مصاحبه با شهروندان است. ۱۶ مفهوم از کدهای دلالت‌انگیز و دیگر کدها، مستقیم از زبان مصاحبه‌شونده عنوان شده است. این کدها با علامت * در جدول ۲ مشخص شده‌اند.

جدول ۲. مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	مفهوم	ردیف	مفهوم
۱	احساس تعلق کم شهروندان به شهر *	۵۸	واردنشدن وسایل مکانیزه جمع‌آوری زباله به بخش‌هایی از شهر
۲	مشارکت پایین شهروندان در امور شهری	۵۹	دفع شخصی زباله در اطراف محل زندگی در مناطق دارای فضاهای باز و ساخته‌نشده
۳	زیرساخت‌های ناکافی شهری، مانند سطل زباله	۶۰	هماهنگ نبودن ساعات کار ادارات دولتی با ساعات جمع‌آوری زباله *
۴	رعایت نکردن قوانین در نهادهایی مانند شهرداری (جمع‌آوری نکردن زباله در ساعت ۹)	۶۱	همکاری کمتر مؤسسات و شرکت‌های خصوصی در جمع‌آوری زباله
۵	فرهنگ‌سازی ناکافی در صداوسیما	۶۲	تولید زباله‌های خطرناک در برخی مراکز پزشکی و نبود سیستم جمع‌آوری مجزا
۶	ناهماهنگی در جمع‌آوری به‌موقع زباله‌ها	۶۳	رها سازی زباله در رودخانه‌ها توسط ساکنان اطراف آن‌ها
۷	کمبود وسایل جمع‌آوری مکانیزه زباله	۶۴	مکان‌یابی برخی مراکز تولیدکننده انبوه زباله مانند بازار میوه و تره‌بار

ادامه جدول ۲. مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	مفهوم	کد	مفهوم	ردیف
	در اطراف رودخانه‌ها			
۸	نبود سطل‌های زباله استاندارد	۶۵	استفاده نکردن از زباله‌های تولیدشده در شهرها و در نتیجه بی‌ارزش بودن زباله *	
۹	تفکیک نکردن زباله از مبدأ	۶۶	نبود زیرساخت‌های مناسب برای بهره‌گیری از زباله‌های تولیدشده	
۱۰	عدم آموزش شهروندی به کودکان در مدارس و مهدهای کودک	۶۷	وضعیت ظاهری نامناسب مخازن جمع‌آوری زباله در سطح شهر	
۱۱	تعداد کم کارگران شهرداری	۶۸	کارکرد ضعیف جمع‌آوری مکانیزه زباله در زمان انتقال آن از مخزن به وسیله نقلیه و در نتیجه ریخت‌وپاش ناشی از آن *	
۱۲	افزایش بی‌رویه جمعیت شهرنشین	۶۹	برنامه‌ریزی نامناسب برای شست‌وشوی مخازن جمع‌آوری زباله در مقاطع منظم زمانی	
۱۳	نبود کارگاه‌های آموزشی برای آگاهی شهروندان در سطح محله‌ها *	۷۰	تعداد اندک مخازن سرپوشیده جمع‌آوری زباله	
۱۴	تخصیلات پایین شهروندان	۷۱	جابه‌جایی خودسرانه مخازن توسط مردم و کارگران جمع‌آوری زباله	
۱۵	محدودیت منابع مالی شهرداری‌ها	۷۲	جمع کردن زباله در ابتدای برخی کوچه‌ها توسط اهالی، به دلیل نبود شرایط برای ورود وسایل حمل زباله	
۱۶	اسراف و دورریز بیش از حد مواد غذایی توسط شهروندان	۷۳	جمع شدن حشرات موذی در اطراف مخازن زباله، به دلیل شست‌وشو نکردن و در نتیجه بوی تعفن زباله‌ها	
۱۷	آموزش ناکافی پاکیزگی شهر به گردشگران	۷۴	ریخت‌وپاش زباله توسط زباله‌دزدها	
۱۸	فرسودگی خودروهای حمل زباله	۷۵	مسئولیت‌پذیر نبودن مردم در برخورد با زباله‌دزدهای سطح شهر *	
۱۹	زباله‌گردی و دزدی زباله توسط برخی افراد	۷۶	درآمد پایین شاغلان بخش جمع‌آوری زباله	
۲۰	پخش زباله‌ها و وجود حیوانات ولگرد مانند گربه، سگ و موش در سطح شهر	۷۷	غرض‌ورزی برخی کارگران در صورت عدم پرداخت مبالغ درخواستی مانند ماهیانه، عیدی و... از مردم	
۲۱	فرسودگی و شکستگی سطل‌های زباله	۷۸	بارش فراوان در شهر و نفوذ آب در زباله‌های شهری تا زمان جمع‌آوری زباله	
۲۲	نشست شیرابه از سطل‌های زباله	۷۹	طراحی نکردن مخازن متناسب جمع‌آوری زباله با توجه به اقلیم شهر	
۲۳	همانگ نبودن نهادهای مختلف	۸۰	زباله‌سوزی در برخی از محلات توسط مردم	
۲۴	افزایش استفاده از ظروف یک‌بار مصرف	۸۱	مشکل خرید وسایل حمل زباله	
۲۵	نبود سطل زباله در درب منازل	۸۲	پراکندگی ناموزون مخازن زباله در بخش‌های مختلف شهر *	
۲۶	سطح پایین ارائه مشوق‌های کافی به شهروندان برای تفکیک زباله از مبدأ	۸۳	خدمات نابرابر جمع‌آوری زباله در بخش‌های بالا و پایین شهر	
۲۷	برنامه‌ریزی نکردن برای زباله‌های مربوط به مشاغل مانند میوه‌فروشی‌ها	۸۴	تخلیه زباله در مناطق خلوت شهر توسط برخی افراد	
۲۸	برنامه‌ریزی نکردن بخش خصوصی برای مشارکت در جمع‌آوری و بازیافت زباله	۸۵	بی‌توجهی تولیدکنندگان به بسته‌بندی محصولات برای کاهش میزان زباله	
۲۹	سطح پایین استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد برای آموزش و اطلاع‌رسانی مردم	۸۶	در نظر نگرفتن ته‌سیگار و آدامس به‌عنوان زباله از سوی مصرف‌کنندگان	
۳۰	تکرار نکردن جمع‌آوری زباله در ۲۴ ساعت	۸۷	پرت کردن زباله از خودرو در خیابان	
۳۱	سطح پایین مشارکت کارگاه‌ها و کارخانه‌ها برای جمع‌آوری زباله‌ها	۸۸	جمع‌آوری نکردن زباله‌هایی مانند اضافات کابل برق و... حاصل از کار سرویس‌کاران بخش‌های دولتی و خصوصی	
۳۲	نبود کیسه‌های مخصوص زباله	۸۹	ریزش میوه‌هایی مانند انجیر از درختان داخل منازل در سطح معابر	
۳۳	پاره شدن کیسه‌های زباله هنگام جمع‌آوری توسط مأموران شهرداری	۹۰	دورریختن مواد غذایی و میوه‌های فاسد در خیابان از سوی مغازه‌داران خواروبار و میوه‌فروشی	
۳۴	آموزش ناکافی شهروندان	۹۱	آشنایی اندک برخی مدیران و کارشناسان شهری با پیشرفت‌های روز دنیا در زمینه جمع‌آوری و دفع زباله *	
۳۵	آموزش سنتی شهروندان در خصوص جمع‌آوری زباله	۹۲	نبود برنامه جامع در زمینه جمع‌آوری زباله	
۳۶	هزینه بالای جمع‌آوری زباله	۹۳	توجه اندک به جمع‌آوری زباله در طرح جامع شهری	
۳۷	طبیعت ناهمگون و گسترده مواد زائد *	۹۴	توجه اندک به جمع‌آوری زباله در طراحی مبلمان شهری	
۳۸	تولید بیش از حد سرانه زباله توسط مردم	۹۵	جنس نامرغوب کیسه‌های زباله	

ادامه جدول ۲. مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از پژوهش (کدگذاری باز)

ردیف	مفهوم	ردیف	مفهوم
۳۹	هم‌خوان نبودن میزان تولید زباله با امکانات موجود شهری	۹۶	رواج بیش از حد محصولات تجزیه‌ناپذیر در میان مردم *
۴۰	نبود سیستم‌های نوین جمع‌آوری زباله نظیر شوتینگ در ساختمان‌ها *	۹۷	افزایش تنقلات مورد استفاده کودکان با بسته‌بندی‌های پلاستیکی
۴۱	هم‌خوان نبودن سطوح زباله کنار آپارتمان‌ها با تعداد واحدهای آپارتمان	۹۸	قیمت ارزان محصولات تجزیه‌ناپذیر در مقایسه با محصولات تجزیه‌پذیرتر
۴۲	کمبود وسایل حمل‌ونقل زباله	۹۹	تعداد کم یا نبود کارشناسان مرتبط با موضوع زباله‌های شهری
۴۳	نبود شرایط ورود وسایل حمل زباله به بخش‌هایی با تولید بالای زباله شهری، به دلیل ترافیک شدید جمعیت	۱۰۰	افزایش ساخت‌وساز در شهرها و رهاشدن برخی نخاله‌های ساختمانی در سطح شهر
۴۴	نگاه تحقیرآمیز مردم به شاغلان بخش جمع‌آوری زباله در شهر	۱۰۱	بالا بودن پرداختی برای بخش نیروی انسانی شاغل در جمع‌آوری زباله به دلیل مکانیزه نبودن
۴۵	جمع‌آوری غیرهدفمند زباله توسط سازمان مربوط *	۱۰۲	نگهداری طولانی‌مدت زباله‌ها در منازل و افزایش بوی تعفن زباله
۴۶	آگاهی ضعیف مردم از طرح‌ها و پروژه‌های جمع‌آوری زباله در شهرها *	۱۰۳	ظرفیت محدود کارخانه کمپوست رشت برای تبدیل زباله
۴۷	اطلاع‌رسانی ناکافی به مردم در خصوص طرح‌های جمع‌آوری زباله	۱۰۴	تعداد زیاد خانوارهای ساکن در اطراف رودخانه‌های شهر
۴۸	فاصله زیاد سطوح زباله در سطح شهر	۱۰۵	رعایت نکردن دقیق حریم رودخانه در شهر توسط مشاغل مختلف
۴۹	استفاده از سطوح زباله نامرغوب در سطح شهر	۱۰۶	لاابری نکردن رودخانه‌ها در فاصله زمانی مناسب
۵۰	نبود سطوح تفکیک زباله در سطح شهر	۱۰۷	نیاز به تعامل بیشتر میان شرکت آب و فاضلاب و شهرداری
۵۱	مکان‌یابی نادرست مخازن جمع‌آوری زباله در شهر	۱۰۸	کمبود پیمانکاران و مشاوران باتجربه در زمینه زباله شهری *
۵۲	متناسب نبودن مخازن جمع‌آوری زباله با کاربری‌های شهری	۱۰۹	سرعت پایین پروژه‌های مرتبط با زباله شهری به دلیل بوروکراسی‌های اداری
۵۳	اجرا نکردن قوانین و مقررات در برخورد با متخلفان	۱۱۰	نیاز به تشکیل انجمن‌های مردمی در خصوص موضوع زباله شهری *
۵۴	هم‌زمانی جمع‌آوری زباله با ساعت استراحت مردم	۱۱۱	نیاز به ترویج فرهنگ شهروند مسئول در شهر
۵۵	تلاش کم مسئولان برای ترویج استفاده از مواد بازیافت سریع‌تر	۱۱۲	انتظار یک‌جانبه مردم از شهرداری به عنوان متولی زباله شهری *
۵۶	رفتار نادرست برخی کارگران بخش جمع‌آوری زباله	۱۱۳	زباله‌سازی وسیع در سطح شهر در مراسم‌های مختلف ملی و مذهبی
۵۷	مسئولیت‌پذیری اندک برخی کارگران در جمع‌آوری کامل زباله موجود در سطوح زباله	۱۱۴	نصب تبلیغات کاغذی روی دیوارهای شهر

کدگذاری محوری

در این مرحله، با تجزیه و تحلیل داده‌ها و مفاهیم چندین مقوله گسترده شناسایی شد و براساس آن ۱۴ طبقه گسترده شکل گرفت.

جدول ۳. مقوله‌های گسترده و خرده‌طبقات (کدگذاری محوری)

مقوله‌های گسترده	خرده‌طبقات
مشارکت کم	احساس تعلق کم شهروندان به شهر برنامه‌ریزی نکردن برای مشارکت بخش خصوصی در جمع‌آوری و بازیافت زباله سطح پایین مشارکت کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در جمع‌آوری زباله‌ها سطح پایین استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد در آموزش و اطلاع‌رسانی مردم نیاز به تشکیل انجمن‌های مردمی در خصوص موضوع زباله شهری مشارکت کم شهروندان در امور شهری

ادامه جدول ۳. مقوله‌های گسترده و خرده‌طبقات (کدگذاری محوری)

مقوله‌های گسترده	خرده‌طبقات			
کارایی نداشتن زیرساخت‌ها و تجهیزات شهری	زیرساخت‌های ناکافی شهری مانند سطل زباله کمبود وسایل جمع‌آوری مکانیزه زباله نبودن سطل‌های زباله استاندارد فرسودگی خودروهای حمل زباله فرسودگی و شکستگی سطل‌های زباله نبودن سطل زباله مقابل درب منازل هم‌خوان نبودن میزان تولید زباله با امکانات موجود شهری فاصله زیاد سطل‌های زباله در سطح شهر مکان‌یابی برخی مراکز تولیدکننده انبوه زباله، مانند بازار میوه و تره‌بار در اطراف رودخانه‌ها پراکندگی ناموزون مخازن زباله در بخش‌های مختلف شهر ظرفیت محدود کارخانه کمپوست رشت برای تبدیل زباله لاابروبی نکردن رودخانه‌ها در فاصله زمانی مناسب نشست شیرابه از سطل‌های زباله نبودن کیسه‌های مخصوص زباله پاره‌شدن کیسه‌های زباله هنگام جمع‌آوری توسط مأموران شهرداری نبودن سیستم‌های نوین جمع‌آوری زباله، مانند شوتینگ در ساختمان‌ها هم‌خوان نبودن سطل‌های زباله کنار آپارتمان‌ها با تعداد واحدهای آپارتمان استفاده از سطل‌های زباله نامرغوب در سطح شهر نبودن سطل‌های تفکیک زباله در سطح شهر وضعیت ظاهری نامناسب مخازن جمع‌آوری زباله در سطح شهر کارکرد ضعیف جمع‌آوری مکانیزه زباله در زمان انتقال زباله از مخزن به وسیله نقلیه و در نتیجه ریخت‌وپاش برنامه‌ریزی نامناسب برای شست‌وشوی مخازن جمع‌آوری زباله در مقاطع منظم زمانی تعداد اندک مخازن سرپوشیده جمع‌آوری زباله جمع‌شدن حشرات موذی در اطراف مخازن زباله‌ها به دلیل شست‌وشو نکردن و در نتیجه بوی تعفن آن‌ها طراحی نکردن مخازن متناسب جمع‌آوری زباله با توجه به اقلیم شهر نبودن زیرساخت‌های مناسب برای بهره‌گیری از زباله‌های تولیدشده			
	آموزش و فرهنگ‌سازی	فرهنگ‌سازی ناکافی از جانب صداوسیما نبودن آموزش شهروندی کودکان در مدارس و مهدهای کودک آموزش ناکافی پاکیزگی شهر به گردشگران سطح پایین آرائه مشوق‌های کافی به شهروندان برای تفکیک زباله از مبدأ آموزش ناکافی شهروندان ناکافی بودن اطلاع‌رسانی به مردم در خصوص طرح‌های جمع‌آوری زباله در نظر نگرفتن ته‌سیگار و آدامس به عنوان زباله از سوی مصرف‌کنندگان آگاهی ضعیف مردم از طرح‌ها و پروژه‌های جمع‌آوری زباله در شهرها رها سازی زباله در رودخانه‌های شهر توسط ساکنین اطراف آن‌ها پرتاب زباله از خودرو به خیابان نیاز به ترویج فرهنگ شهروند مسئول در شهر انتظار یک‌جانبه مردم از شهرداری به عنوان متولی زباله شهری نبودن کارگاه‌های آموزشی برای آگاهی شهروندان در سطح محله‌ها		
		مشکلات اقتصادی	محدودیت منابع مالی شهرداری‌ها هزینه بالای جمع‌آوری زباله درآمد کم کارگران شاغل در بخش جمع‌آوری زباله مشکل خرید وسایل حمل زباله بالا بودن پرداختی نیروی انسانی شاغل در جمع‌آوری زباله به دلیل مکانیزه نبودن	
			هماهنگ نبودن نهادها	ناهماهنگی در جمع‌آوری به موقع زباله‌ها هماهنگ نبودن نهادهای مختلف

ادامه جدول ۳. مقوله‌های گسترده و خرده‌طبقات (کدگذاری محوری)

مقوله‌های گسترده	خرده‌طبقات
	هماهنگ نبودن ساعات کار ادارات دولتی با ساعات جمع‌آوری زباله هم‌زمانی جمع‌آوری زباله با ساعت استراحت مردم همکاری کمتر مؤسسات و شرکت‌های خصوصی در جمع‌آوری زباله
مشکلات نیروی انسانی	تعداد کم کارگران شهرداری رفتار نادرست برخی کارگران بخش جمع‌آوری زباله جابه‌جایی خودسرانه مخازن توسط مردم و حتی کارگران جمع‌آوری زباله غرض‌ورزی برخی کارگران در صورت دریافت نکردن مبالغ درخواستی، مانند ماهیانه، عیدی و... از مردم کمبود پیمانکاران و مشاوران باتجربه در زمینه زباله شهری
نبود مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح	تفکیک زباله از مبدأ مکان‌یابی نادرست مخازن جمع‌آوری زباله در شهر تلاش ناچیز مسئولان برای ترویج استفاده از مواد با بازیافت سریع‌تر برخورداری نابرابر بخش‌های بالا و پایین شهر از خدمات جمع‌آوری زباله شهر نبود برنامه‌ریزی برای زباله‌های مشاغل مانند میوه‌فروشی‌ها آشنایی اندک برخی مدیران و کارشناسان شهری با پیشرفت‌های روز دنیا در زمینه جمع‌آوری و دفع زباله نبود برنامه جامع در زمینه جمع‌آوری زباله استفاده نکردن از زباله‌های تولیدشده در شهرها و در نتیجه بی‌ارزش بودن زباله تعداد کم کارشناسان مرتبط با موضوع زباله‌های شهری یا نبود آنها
رشد نامتوازن شهری	افزایش بی‌رویه جمعیت شهرنشین نبود شرایط ورود وسایل مکانیزه جمع‌آوری زباله در بخش‌هایی از شهر افزایش ساخت‌وساز در شهرها و رهاشدن برخی نخاله‌های ساختمانی در سطح شهر تعداد زیاد خانوارهای ساکن در اطراف رودخانه‌های شهر
مسائل فرهنگی شهروندان	اسراف و دورریز بیش‌ازحد مواد غذایی توسط شهروندان تحصیلات پایین شهروندان تولید بیش‌ازحد سرانه زباله توسط مردم نگاه تحقیرآمیز مردم به شاغلان بخش جمع‌آوری زباله در شهر دفع شخصی زباله در اطراف محل زندگی در مناطق دارای فضاهای باز و ساخته‌نشده زباله‌سازی وسیع در سطح شهر در مراسم‌های مختلف ملی و مذهبی
رعایت نکردن قوانین	زباله‌گردی و دزدی زباله توسط برخی افراد رعایت نکردن قوانین در نهادهایی مانند شهرداری اجرا نکردن قوانین و مقررات در برخورد با متخلفان مسئولیت‌پذیری اندک برخی کارگران در جمع‌آوری کامل زباله موجود در سطل‌های زباله جمع کردن زباله در ابتدای برخی از کوچه‌ها توسط اهالی به دلیل نبود شرایط ورود وسایل حمل زباله ریخت‌وپاش زباله توسط زباله‌دزدها نبود مسئولیت‌پذیری میان مردم برای برخورد با زباله‌دزدهای سطح شهر اقدام به زباله‌سوزی در برخی از محله‌ها توسط مردم تخلیه زباله در مناطق خلوت شهر توسط برخی افراد دورریختن مواد غذایی و میوه‌های فاسد در خیابان از سوی مغازه‌داران خواروبار و میوه‌فروشی رعایت نکردن دقیق حریم رودخانه در شهر توسط مشاغل مختلف
استفاده از ظروف تجدیدناپذیر	افزایش استفاده از ظروف یک‌بارمصرف طبیعت ناهمگون و گسترده مواد زائد رواج بیش‌ازحد محصولات تجزیه‌ناپذیر در میان مردم افزایش تنقلات مورد استفاده کودکان با بسته‌بندی‌های پلاستیکی قیمت ارزان‌تر محصولات تجزیه‌ناپذیر از محصولات تجزیه‌پذیرتر

کدگذاری انتخابی

در مرحله کدگذاری انتخابی طی فرایندی انسجام بخش، مقوله‌های هسته‌ای یا اصلی انتخاب می‌شوند. در پژوهش حاضر با تحلیل نتایج مقوله‌های گسترده، ۵ مقوله هسته‌ای شامل عوامل تأثیرگذار مربوط به ابعاد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیرساختی، قانونی و مدیریتی مشخص شد.

جدول ۴. نمود مقوله‌ها در کدگذاری انتخابی

مقوله‌های گسترده	مشارکت پایین	آموزش و فرهنگ‌سازی	مسائل فرهنگی شهروندان	استفاده از ظروف تجدید ناپذیر	مشکلات اقتصادی	کارایی نداشتن زیرساخت‌ها و تجهیزات شهری	رشد ناموازن شهری	رعایت نکردن قوانین	ناهماهنگی میان نهادها	مشکلات نیروی انسانی	نبود مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح
مقوله‌های هسته‌ای	اجتماعی- فرهنگی	اقتصادی	زیرساختی	قوانین	مدیریتی						

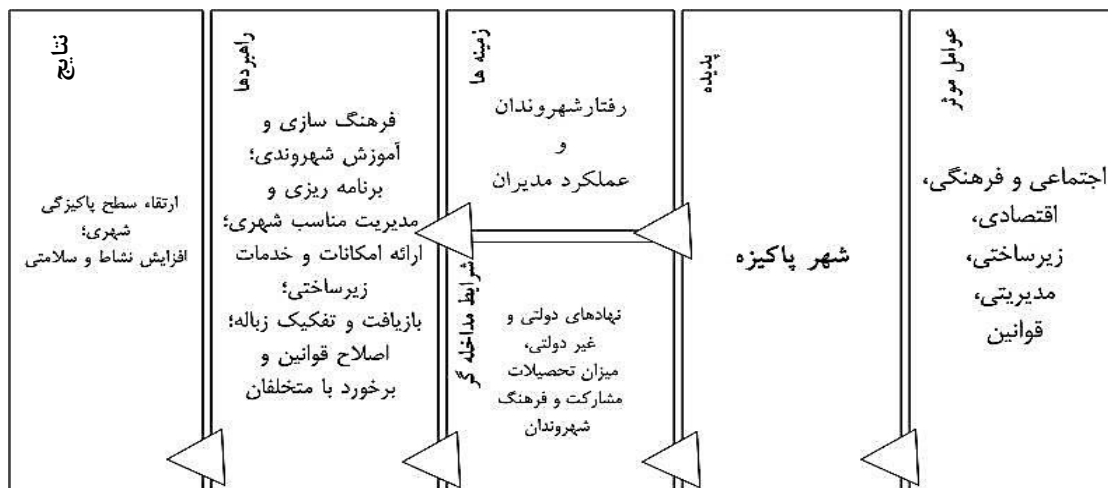
مروری بر خط سیر داستان پژوهش

توجه به محیط‌زیست و پاکیزگی محل زندگی از اصول اساسی زندگی انسان در شهرهاست. این موضوع مهم، پژوهشگران این مطالعه را با ضرورت پژوهش درباره موانع دستیابی به شهر پاک مواجه کرده است. براساس مشاهده‌های میدانی و شناسایی موانع دستیابی به شهر پاک در منطقه مورد مطالعه، مشخص شد که وضعیت پاکیزگی شهر رشت چندان مناسب نیست. مطالعات نظری نشان داد که عوامل مختلفی در تحقق شهر پاک تأثیرگذار است؛ از این رو پرسش اصلی پژوهش حاضر این بود که موانع دستیابی به شهر پاک در رشت چیست؟ نتیجه تحلیل پاسخ‌ها، استخراج ۵ مقوله هسته‌ای شامل عوامل تأثیرگذار مربوط به مقوله‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیرساختی، مدیریتی و قوانین است. از این میان، به نظر می‌رسد دو مقوله اجتماعی-فرهنگی و مدیریتی، از سایر عوامل مهم‌تر است.

از شرایط علی به‌وجودآورنده مدل الگوواره‌ای عوامل تأثیرگذار مربوط به مقوله اجتماعی- فرهنگی، نبود فرهنگ‌سازی و آموزش، و مشارکت کم شهروندان در مسائل شهری است. در مدل الگوواره‌ای عوامل تأثیرگذار مربوط به مدیریتی، شرایط علی به‌وجودآورنده آن مانند هماهنگ نبودن نهادها، مشکلات نیروی انسانی و نبود مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح است.

مرحله نهایی و طراحی مدل کانونی پژوهش

نخستین گام در مرحله طراحی مدل، طبقه‌بندی مرکزی است که درون‌مایه تحقیق را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر با توجه به مفاهیم؛ مقوله‌های گسترده و هسته‌ای در جریان کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی و ساخت قضایای نظری مدل شکل ۳ به‌عنوان مدل کانونی پژوهش طراحی شد.



شکل ۳. مدل کانونی پژوهش

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی موانع تحقق شهر پاک، به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های دستیابی به شهر سالم انجام شد و برای این منظور بررسی شهر رشت (مرکز استان گیلان) صورت گرفت. یافته‌های پژوهش در دو بعد مهم قابل‌بررسی است. بعد نخست شکل‌گیری شهر پاک است که به برنامه‌ریزی سنجیده و مدیریت قوی نیاز دارد. بعد دوم به مرحله پس از شکل‌گیری شهر پاک و تداوم پاکیزگی در شهر مربوط است. در میان ۱۱۴ عامل شناسایی‌شده در سطح شهر رشت، به‌ویژه در ۱۱ مقوله گسترده استخراج شده، این دو بعد قابل‌تشخیص است؛ از این‌رو می‌توان گفت جمع‌آوری و ساماندهی صحیح زباله، در مرحله برنامه‌ریزی و اجرا، همچنین در مرحله حفظ دستاوردها به تقویت مقوله‌های یازده‌گانه وابسته است. مهم‌ترین جنبه قابل‌توجه مقوله‌های خارج از توان صرف مدیریت شهری است که به اصلاح در سطح منطقه‌ای و گاه ملی نیاز دارد. شاید مهم‌ترین این مقوله‌ها در بخش اقتصادی جست‌وجو شود و چنان‌که ملاحظه می‌شود، به‌طور کاملاً اثرگذاری در مقوله‌های هسته‌ای حضور دارد و جایگاهی مهم در مدل کانونی پژوهش به‌دست آورده است. شکل‌گیری شهر پاک به‌عنوان پدیده‌ای ارزشمند، به دو عامل زمینه‌ای مرتبط به دو گروه متمایز شهروندان و مدیران وابسته است. با هم‌دلی این دو گروه در رفتار و عملکرد که متأثر از شرایط مداخله‌گر مختلفی ارتقا می‌یابد، می‌توان راهبردهای مناسبی را برای دستیابی به شهری پاک ارائه کرد تا درنهایت زمینه‌های ایجاد شهری پرنشاط فراهم شود.

افزون‌براین، یکی از شاخصه‌های مهم سلامت روانی اجتماعی، رعایت اصول شهروندی مانند رعایت پاکیزگی شهری است. در این اصول، دو موضوع قانون و عرف، نقش پررنگی دارند. عامل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، نداشتن مهارت‌های لازم در زندگی است که فرد در روند تربیتی آن‌ها را نیاموخته است. همچنین نوع نگرش مردم به زندگی و سطح سواد و درک آن‌ها از زندگی، بر حقوق و تکالیف شهروندی آن‌ها، مانند ریختن یا نریختن زباله تأثیر می‌گذارد. از دیگر موارد تأثیرگذار، احساس تعلق‌نداشتن است. وقتی فردی خود را متعلق به جامعه نداند، در مقابل آن احساس مسئولیت نمی‌کند که این موضوع به عوامل اجتماعی و سیاسی یک جامعه بازمی‌گردد.

از دیگر عوامل مؤثر بر پاکیزگی شهری در کنار بحث زیرساخت‌ها مانند وجود سطل‌های زباله کافی که کمبود آن در شهر رشت احساس می‌شود، می‌توان به سطح پاکیزگی شهر اشاره کرد. اگر شهر به‌صورت واحدی کل‌چندان تمیز نباشد، شهروندان احساس می‌کنند زباله‌های آن‌ها در کنار این همه آشفتگی، ناچیز و کم است؛ بنابراین، از ریختن زباله در شهر، احساس بدی پیدا نخواهد کرد. براین‌اساس می‌توان عوامل اصلی رسیدن به شهر پاکیزه را عوامل اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیرساختی، مدیریتی و قوانین خلاصه کرد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، این عوامل از مهم‌ترین و مؤثرترین

عوامل وجود شهر پاکیزه در شهر رشت محسوب می‌شوند؛ یعنی نبود قوانین محکم و اجرای ناقص و ضعف پشتوانه اجرایی قوانین، وجود زباله در شهر را از درجه‌های نخست دغدغه‌های مدیران خارج کرده است. در نتیجه چنین وضعیتی، زیرساخت‌های مرتبط با آن که عمدتاً باید از طریق برنامه‌ریزی‌های آنان شکل بگیرد یا توسعه یابد در وضعیت نامناسبی قرار می‌گیرد.

نبود زیرساخت‌های مناسب جمع‌آوری کاملاً اصولی زباله شهری در شهر رشت، به فرصت‌سوزی در عرصه‌های توسعه مشارکتی شهروندان می‌انجامد. همچنین مشکلات اقتصادی بر ابعاد بی‌رغبتی آنان می‌افزاید. براین اساس، شهروندان در مسیر آموزش رفتار مناسب شهروندی، با تعارضاتی روبه‌رو می‌شوند و خود را در این عرصه تنها می‌بینند. در نتیجه نوعی بی‌تفاوتی حتی میان شهروندان متعهد به وجود می‌آید. این مسئله سبب می‌شود تا برنامه‌ریزی برای ارتقای اجتماعی و فرهنگی شهروندان بی‌اثر شود و در نتیجه مدیران نوعی رفتار مسالمت‌آمیز با فضای آلوده شهری در پیش بگیرند. البته اگر مجموعه عوامل مدیریت شهری، از افراد فرهیخته و دلسوز برای ایجاد و گسترش فضای پاک شهری باشند. در غیر این صورت مشکل پیچیده‌تر می‌شود، این افراد از خلأهای قانونی موجود استفاده می‌کنند و تا حد ممکن از درگیر شدن با موضوع پاکیزگی شهری به‌عنوان حقی برای شهروندان دوری می‌کنند. در نتیجه دوری باطل در ارتباط با فضای آلوده شهری به وجود می‌آید؛ از این رو جست‌وجوی راه‌حل برای رفع مشکل، جایگزین یافتن مقصر خواهد شد. براین اساس، توجه به موارد زیر ممکن است تا حدی گره‌گشا باشد:

الف) آموزش شهروندی از طریق مدرسه، رسانه‌ها، افراد و شخصیت‌های مهم و مبلغان مذهبی، با هدف درگیر کردن افراد در فعالیت‌های مربوط به زندگی خود در اجتماع؛

ب) تشکیل گروه‌های مردمی و بسیج مردم برای پاکیزگی شهری؛

ج) رفع کمبودهای زیرساختی از جمله سطل زباله و خودروهای مکانیزه جمع‌آوری زباله؛

د) برنامه‌ریزی برای مشارکت بیشتر شهروندان در امور شهری جهت افزایش احساس تعلق.

منابع

۱. ادیب حاج‌باقری، محسن و مهوش صاصالی، ۱۳۸۶، **رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی**، نشر نی، تهران.
۲. ازکیا، مصطفی، حسین ایمانی جاجرمی و زهرا فرضی‌زاده میاندهی، ۱۳۹۰، **روش‌های کاربردی: تحقیق کاربرد نظریه بنیانی**، انتشارات کیهان، تهران.
۳. آسایش، حسین، ۱۳۸۰، **کارگاه برنامه‌ریزی روستایی**، چاپ سوم، دانشگاه پیام نور، تهران.
۴. استرابرگ، کریستین جی، ۱۳۸۴، **روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی**، ترجمه احمد احمدپور و علی شجاعی، انتشارات دانشگاه یزد.
۵. استراس، آنسلم و جولیت کوربین، ۱۳۸۷، **اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنايي، روش‌ها و شیوه‌ها**، ترجمه بیوک محمدی، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۶. آقائی‌زاده، اسماعیل، ۱۳۸۹، **بافت فرسوده؛ عامل تهدیدزای توسعه پایدار شهری**، نخستین همایش توسعه پایدار شهری (دانشگاه گیلان)، صص ۱۳۴-۱۴۷.
۷. باستیه، ژان و برنارد، در، ۱۳۸۲، **شهر**، ترجمه علی اشرفی، دانشگاه تهران.
۸. بدری، سید علی و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲، **ارزیابی پایداری: مفهوم و روش**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۲، صص ۹-۳۴.
۹. بحرینی، سید حسین، ۱۳۹۳، **تحلیل فضاهای شهری**، چاپ دهم، دانشگاه تهران.

۱۰. پاپ‌زن، عبدالحمید، ۱۳۸۲، طراحی مدل تلفیقی دانش بومی و رسمی به منظور دستیابی به رهیافتی سامانه‌ای مشارکتی در شهرستان کرمانشاه، رساله دکتری به راهنمایی استاد سید محمود حسینی و مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران.
۱۱. پاپ‌زن، عبدالحمید و همکاران، ۱۳۸۹، مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی (مورد: روستای حریر، استان کرمانشاه)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۳، صص ۲۵-۵۲.
۱۲. پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی، ۱۳۸۲، نظریه‌های شهر و پیرامون، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۱۳. حافظنیا، محمدرضا، زهرا احمدی پور و مصطفی قادری حاجت، ۱۳۹۱، سیاست و فضا، نشر پاپلی، مشهد.
۱۴. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۷۸، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۱۵. _____، ۱۳۸۰، توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزی شهری در قرن بیست و یکم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۰، شماره ۱۶۰، صص ۳۷۱-۳۸۵.
۱۶. زیاری، کرامت‌الله و محمدحسین جانبازنژاد، ۱۳۸۸، دیدگاه‌ها و نظریات شهر سالم، شهرداری‌ها، سال نهم، شماره ۹۵، صص ۱۴-۲۳.
۱۷. سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۹۳، لایه اطلاعاتی تقسیمات استانی کشور.
۱۸. شکوئی، حسین، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
۱۹. صرافی، مظفر، ۱۳۷۵، توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزان شهری، مجله معماری و شهرسازی، سال چهل‌وهفتم، شماره ۳۵، صص ۳۹-۴۵.
۲۰. صرافی، مظفر، جمیله توکلی‌نیا و حسن محمدیان مصمم، ۱۳۹۳، اندیشه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری، انتشارات قدیانی، تهران.
۲۱. طالب، مهدی، محمدرضا محمدی و پیمان پوررجب میان‌دوباب، ۱۳۹۰، پیامدهای تداوم حضور واسطه‌های خریدار شیر در نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستای شیشه، شهرستان اهر)، مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۱۱-۱۳۵.
۲۲. فرشادگر، ناصر و محمدتقی ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۳، پژوهش مشارکتی، پژوهشکده امور اقتصادی، تهران.
۲۳. فرهادی، رودابه، ۱۳۸۹، ارزیابی مشارکت مردم در پروژه شهر سالم کوی سیزده‌آبان، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۱۳۷-۱۵۷.
۲۴. قبادی، پرستو و همکاران، ۱۳۹۱، واکاوی محدودیت‌ها و مشکلات توریسم با استفاده از تئوری بنیانی، موردشناسی: روستای چرمه علیا، جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵، صص ۸۹-۱۰۴.
۲۵. مجتهدزاده، غلامحسین، ۱۳۹۲، برنامه‌ریزی شهری در ایران، چاپ دوم، پیام‌نور، تهران.
۲۶. مجلسی، منیره، ۱۳۸۶، نقش مشارکت‌های مردمی در سیستم مکانیزه جمع‌آوری زباله، سومین همایش ملی مدیریت پسماند، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و سازمان محیط‌زیست، تهران.
۲۷. مهندسان مشاور طرح کاوش، ۱۳۸۶، طرح جامع شهر رشت.
۲۸. نظریان، اصغر، ۱۳۷۹، جغرافیای شهری ایران، چاپ چهارم، پیام‌نور، تهران.
۲۹. نظریان، اصغر، ۱۳۸۸، پویایی نظام شهری در ایران، چاپ اول، نشر مبتکران، تهران.
30. Adib HajBagheri, M., and Sasaly M., 2007, **Approaches and Methods of Qualitative Research in Rural Development**, Ney Publishing, Tehran. (In Persian)
31. Aghaeizadeh, E., 2010, **Deteriorated Fabrics: Threat Maker Factor for Sustainable Urban Development**, the First Conference on Urban Sustainable Development (University of Guilan), 134-147. (In Persian)
32. Ahmad, H., 1998, **Healthy Cities: A Comprehensive Approach to Public Health**, The rural Health Policy Program at Virginia Tech.
33. Asayesh, H., 2001, **Workshop for Rural Planning**, Third Edition, PNU, Tehran. (In Persian)

34. Ashton, J., 1990, **Healthy Cities**, Milton Keynes: Open University Press.
35. Azkia, M., Eimani Jajarmi, H., and Farzizadeh Miyandehi, Z., 2012, **Applied Methods of Research: Application of Grounded Theory**, Keyhan, Tehran. *(In Persian)*
36. Badri, S., and Roknoddin Eftekhari, A., 2003, **Evaluation of Stability: Concepts and Methods**, Geographical Research, Vol. 18, No. 2, PP. 9-34. *(In Persian)*
37. Bahreiny, H., 2014, **Urban Spaces Analysis**, Tenth Edition, Tehran University. *(In Persian)*
38. Bastie, J., and Der, B., 2003, **La Ville**, (A. Ashrafi, Trans), Tehran University of Art Press, Tehran.
39. Edwards, P., and Tsouros, D, A., 2008, **A Healthy City is an Active City: a physical activity planning guide**, WHO Regional Office for Europe.
40. EsA-un, 2007, **world urbanization prospects: the 2005 Revision**.
41. Esterberg, K. G., 2006, **Qualitative Methods in Social Research** (A. Poorahmad and A. Shamaei, Trans), Yazd University. *(In Persian)*
42. Farhadi, R., 2010, **Evaluation of Public Participation in the Healthy City Project in Koye 13 Aban, Geography**, Vol. 8, No. 27, 137-157. *(In Persian)*
43. Feng. L. i. et al. 2009, **Measurement indicators and an evaluation approach for assessing urban sustainable development: A case study for China's Jining City**, Landscape and Urban Planning, Vol 90, No. 90, PP. 134-142.
44. Ghobadi, P. et al. 2012, **Study of Rural Tourism Limitations and Problems Using Grounded Theory, Case Study: Charmale Olia Village**, Geography and Territorial Spatial Arrangement, Vol. 2, No. 5, PP. 89-104. *(In Persian)*
45. Girardet, H., 2003, **cities, people planet, Globalization. Globalism, Environment and Environmentalism: consciousness of connections**, Oxford university press, New York.
46. Farshad Gohar, N., and Ziaee Bigdeli, M., 2004, **Participatory Research**, Institute of Economic Affairs, Tehran. *(In Persian)*
47. Hafeznia, M., Ahmadipour, Z., and Ghaderi Hajat, M., 2012, **Politics and Space**, Papoli Publishin., Mashhad. *(In Persian)*
48. Larsen, L., and vitali, F., 2009, **urban development and greet challenge for urban planning: a view ftheoretical research**, Urban economy conference, Melbourne, Australia.
49. Majlesi, M., 2007, **Role of Public Participation in Mechanized Garbage Collection**, Third National Conference on Waste Management, Iran's Municipalities and Village Administrators and Department Of Environment, Tehran. *(In Persian)*
50. Mojtahedzadeh, G., 2013, **Urban Planning in Iran**, Second Edition, PNU, Tehran. *(In Persian)*
51. National Cartographic Center, 2014, **Province Division Information Layers**.
52. Nazarian, A., 2000, **Urban Geography of Iran**, Fourth Edition, PNU, Tehran. *(In Persian)*
53. _____, 2009, **Dynamics of Iran's Urban System**, Mobtakeran, Tehran. *(In Persian)*
54. Papoli Yazdi, M., and Rajabi Snajerdy, H., 2003, **Theories of Urban and Surrounding**, Samt Publishing, Tehran. *(In Persian)*
55. Papzan, A., 2003, **A Compilation Model of Indigenous Knowledge and Formal Design in order to Achieve Systematic-Participatory Approach in Kermanshah City**, Supervisor: S. M. H., and Azkia, M. Phd Thesis, Tehran University. *(In Persian)*
56. Papzan, A. et al. 2011, **Problems and Limitations of Rural Tourism, Using Grounded Theory (Case-Study: Harir Village, Kermanshah Province)**, Journal of Rural Studies, Vol. 1, No. 3, PP. 25-52. *(In Persian)*
57. Sarrafi, M., 1996, **Sustainability and Responsibility of Urban Planners**, Journal of Architecture and Urbanity, Vol. ???, No. 35, PP. 39-45. *(In Persian)*

58. Sarrafi, M., TavakoliNia, J., and Mohammadiyan Mosammam, H., 2014, **New Ideas in Urban Planning**, Ghadiani, Tehran. *(In Persian)*
59. Scipioni, A. et al. 2009, **The Dashboard of Sustainability to measure the local urban sustainable development: The case study of Padua Municipality**, Ecological indicators, Vol. 9, No. 2, 364-380.
60. Shakoei, H., 2000, **Urban Geography (A New Approaches Perspective)**, Vol. 1, Fourth Edition, Samt Publishing, Tehran. *(In Persian)*
61. Strauss, A., and Corbin, J., 2009, **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory** (Mohammadi, B. Trans), Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran. *(In Persian)*
62. Tarh-O-Kavosh Consulting Engineers, 2007, **Master Plan of Rasht City**.
63. Taleb, M., Mohammadi, M., and Poorrajab Miandoab, P., 2011, **Study of Effects and Continuous Presence of Milk-Buyers' Agents in Rural Areas (Case Study: Shishe Village- Ahar)**, Journal of Rural Research, Vol. 2, No. 6, PP. 111-135. *(In Persian)*
64. Tsouros, A. D., and Farrington, J. L., 2003, **WHO Healthy Cities in Europe: a Compilation of Papers on Progress and Achivments**, WHO Regional office for Europe, Denmark.
65. Ziari., K., 1999, **Principles and Methods of Regional Planning**, First Printing, Samt Publishing, Tehran. *(In Persian)*
66. _____, 2001, **Sustainability and Responsibility of Urban Planning In The 21 Century**, Journal of Literature And Human Sciences, Faculty of Tehran University, Vol. ., No. ۱۶۰, 371- 385. *(In Persian)*
67. Ziari., K., and Janbabanezhad, M., 2009, **The Views and Opinions of Healthy City**, Shahrdiriha, Vol. 9, No. 95, 23-14. *(In Persian)*